



حج از دیدگاه امام رضا و امام جواد علیهما السلام

اسلام مکتبی است که در تمام ابعاد حیات معنوی و مادی انسانها دارای احکام، قوانین و برنامه است و لذا قادر است جامعه بشریت را در جمیع بخشهای زندگی در طول تاریخ اداره نماید. ائمه معصومین ما که مروج چنین آئینی هستیم در تمام ابعاد اسلام به تناسب شرائط عصر خویش، رهنمودها، سخنان و احادیث دارند و بهین دلیل زمینه گفتار و نوشتار دوباره آنان به وسعت تمام این ابعاد، وضوح و گسترده است، ولی مناسبترین بحث با تیرماه امسال که تصادف با ولادت حضرت امام هشتم و شهادت فرزندش حضرت امام جواد علیهما السلام و مفارقت با ذیحجه الحرام نیز می باشد، بررسی نقش حج در ساختار جامعه اسلامی از دیدگاه این دو معصوم است، چرا که حج در شکل بخشیدن به ساختار جامعه از نقشی بسیار حساس و تعیین کننده برخوردار است، و بهین دلیل، بگونه ای به آن اهمیت داده شده است که امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر مسلمین از رفتن به حج سرباز زنند «لَوَجِبَ عَلَيَّ الْأَمَامُ أَنْ يَخْبِرَهُمْ عَلَيَّ الْحَجَّ إِنْ شَاءَ وَ إِنْ أَبَوْا» و در روایت دیگر

فرمود: «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَقْوَانٌ أَتَّفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ هَالِ الْمُسْلِمِينَ»^۱ بر امام و حاکم مسلمین واجب است که آنان را برای رفتن به حج خواه ناخواه اجبار نماید و چنانچه پول و امکاناتی نداشته باشند از بودجه بیت المال هزینه سفر آنها را تأمین نماید.

گسترده‌گی ابعاد حج

در میان موضوعات عبادی سیاسی اسلام، حج از جمله عباداتی است که از ابعاد و مسائل بسیاری برخوردار است؛ چنانچه می بینیم «زراره» شاگرد فقیه و دانشمند امام صادق علیه السلام با تعجب به آن حضرت عرضه می دارد: من چهل سال است از شما در مورد مسائل حج استفتاء می نمایم و شما جواب می دهید! امام در پاسخ می فرماید: «با زراره! بیت حج الیه قَبْلَ آدَمَ بِالْفُحی عام نرید اَنْ تَفْتی مسائله فی اربعین عاماً!»^۲ زراره! خانه ای که دو هزار سال پیش از آفرینش آدم در آن اعمال حج اجرا می گردیده، توقع داری در طی چهل سال تمام مسائل آن را استفتا نمائی؟! و این چنین است که از هر یک از ائمه درباره حج مطالب و احادیثی به ما رسیده است.

نقش حج در ساختار جامعه اسلامی

قرآن کریم در آیه ۷۹ سوره «مائده» می فرماید: خداوند کعبه: بیت الله الحرام را «قیاماً للناس» قرار داد، یعنی برای اقامه امور مردم. امام صادق علیه السلام با استفاده از وسعت معنایی که این جمله دربر دارد می فرماید: «تَجَعَّلَهَا لِدِينِهِمْ وَعَاشِيَتِهِمْ»^۳ خداوند کعبه را برای سازمان دادن به امور دین و دنیای آنان قرار داده است. و هنگامی که ربیع از آنحضرت درباره تفسیر «وَلْيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» - تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند، سؤال می نماید که آیا منظور منافع دنیا است و یا آخرت؟ امام در پاسخ می فرماید: «الکُلُّ»^۴ شامل منافع دنیا و آخرت هر دو می گردد.

بدین ترتیب می بینیم، حج از نظر قرآن و روایات در بُعد عبادی خلاصه نمی شود و این نغمه جدائی حج از سیاست که از سوی حکام مرتجع سعودی ساز گردیده از همان تَر کبینه استعماری «تفکیک دین از سیاست» ریشه و الهام می گیرد تا بدینوسیله حج را بگونه ای قالب ریزی نمایند تا بجای منافع مردم، منافع آنان و اربابان جبار و لگرشان را تأمین نماید.



۳- والخروج من كل ما افترف:

چنانچه می دانیم، اسلام برخلاف جامعه‌های صنعتی امروز، به انسان، بعنوان یکی از وسایل و ابزار تولید نمی‌نگرد و قبل از اینکه به ساختن زندگی مادی و تمدن صنعتی او توجه نماید به ساختار روحی و معنوی او عنایت دارد و به همین دلیل اگر در حج منافع و ابعاد زندگی مادی مطرح است به بازسازی شخصیت انسانی او بیشتر توجه دارد. و در این رابطه امام هشتم علیه السلام، حج را پالایشگاه روح از آلودگی‌های گناه می‌شمارد.

۴- مع ما فيه من استخراج الأموال:

یکی از خصلتهای زشتی که انسان را از مسیر فطری و الهی به انحراف می‌کشانند «دنیا محوری» است و انسانی که تمام تلاش و آمایش خویش را در راه کسب مادیات به هدر می‌دهد و در راه لذت‌های زودگذر زندگی به مصرف می‌رساند، باید برنامه و مقررانی داشته باشد تا هر چند بطور موقت هم که شده، محور کار و مخارج، او را از دنیا گرایی، بسوی «الله» رهنمون سازد و از افسردگی و بدبینی آن می‌فرماید: «وتعيب الابدان» خستگی و فرسودگی جسمی که در این سفر روحانی به انسان حاجی دست می‌دهد جزئی از فلسفه حج است.

۵- ثابتاً في ذلك دائماً:

مهمترین دست‌آورد و نتیجه‌ای که سالیانه از این مراسم با شکوه، نصب جامعه اسلامی می‌گردد، در این جمله کوتاه خلاصه شده است که حجاج محترم آن اعمال و مناسکی را که در حج انجام داده و آن ارزشهای اخلاقی را که در آنجا در عمل پیاده نموده و تقسیم گیریا و مواضعی را که در برابر دشمنان خدا در آن مکان مقدس اتخاذ نموده‌اند، با پایان یافتن حج بدست فراموشی سپرند، بلکه در بازگشت نیز خود را به انجام آنها عادت دهند و به آن اعمال و ارزشها استمرار و تداوم و ثبات بخشند. و بدینوسیله است که اگر حج چنانچه هست به محلی برای بازسازی شخصیت انسانی و اسلامی انسانها. چنانچه فلسفه وجودی حج آن را ایجاد می‌نماید. تبدیل گردد، تأثیری کلی در کل جامعه بزرگ اسلامی در جهان خواهد گذاشت، چرا که هر سال جمعی از انسانهای آگاه، متعهد و ساخته شده، از هر شهر و کشور و جامعه‌ای، به وطن خود باز می‌گردند، و همچون رودهای خروشان و خوشگوار که بطور مستمر بدریاچه‌ای کوچک بریزد، و در کیفیت آب آن تأثیر گذارد، در وضعیت اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه اثر مطلوب

امید ثواب و برای بیم از عقاب بوده و آهنگ آنجا نمایند.

بنابراین وفود و حرکت بسوی حق تعالی، بریدن از تمام دلستگیا و وابستگیها را می‌طلبد و باید با چنین آمادگی و وارستگی آهنگ کوی محسوب نمود، و بهمین دلیل حتی امام معصوم، حضرت صادق علیه السلام، به نقل مالک، «كَلَّمَا هَمَّ بِالتَّحْلِيَةِ انقطع الصَّوْتُ فِي خَلْفِهِ وَكَادَ أَنْ يَخْرَمَ مِنْ رَاجِلَيْهِ» هرگاه که تصمیم به لیک گفتن می‌گرفت صدایش در گلو قطع می‌گردید و حالش به او دست می‌داد که نزدیک بود از مرکب فرو افتد. و وقتی مالک به امام عرضه می‌دارد که: «باین رسول الله! در هر صورت لیک را باید بگویند، امام می‌فرماید: ای پسر ایسی عامر چگونه جرأت و جسارت گفتن لیک پیدا نمایم در صورتی که بیم آن دارم که خدای عزوجل بفرماید: «لا لِيكَ وَلَا سَعْدِيكَ»^۶ و به من پاسخ منفی دهد.

۲- وطلب الزيادة:

یکی دیگر از ابعاد حج رشد و افزایش هر چه بیشتر و زایدتر اخلاق و ارزشهای اسلامی، و بالا بردن سطح آگاهیها و اطلاعات سیاسی، و ارتقاء فرهنگ و اقتصاد جامعه بزرگ اسلامی است، بدین ترتیب که سران و مسئولین کشورهای اسلامی با ترتیب کفرانها و گردهم آییها، و دعوت از دانشمندان علوم مختلف و متخصصین و سیاستمداران مسلمان، برای مبادله دانشها و تخصصها، و کالاها و کارخانجات صنعتی برنامه‌ریزی نمایند، همانگونه که امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «فَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا، وَلِيَسْتَرْعَى كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنَ بِلَدِ الْبِلَدِ»^۷ خداوند آنرا قرار داد تا در آنجا با یکدیگر و شرق و غرب عالم قرار داد تا در آنجا با یکدیگر و با توانائیها و تخصصهای هم آشنا شده و هر ملتی کالای بازرگانی از شهر و دیار خویش به شهر و کشور دیگری صادر نماید و بدین ترتیب می‌بینیم که کنگره عظیم حج بمنزله سکوی است که جامعه اسلامی هم‌مساله می‌تواند از بلندی آن به بالاترین سطح فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان صعود و ارتقاء یابد، و بدین وسیله مصداق حقیقی «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» در جامعه بزرگ اسلامی عینت بخشد.

آنچه را که قرآن کریم در این دو جمله کوتاه خلاصه نموده است، امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه محمد بن سنان به شرح و تفصیل آن پرداخته و بدینوسیله ابعاد مختلف حج را بیان فرموده است.

امام تحت عنوان: «عِلَّةُ الْحَجِّ» به موارد زیر چنین اشاره می‌نماید:

۱- الوفاة الى الله عزوجل:

وفود و وفاده از نظر لغت به معنی وارد شدن بر بزرگی به نمایندگی و رسالت از سوی فرد و یا گروهی است و لذا امام هشتم علیه السلام در همین روایت یکی از ابعاد حج را «تَنْفَعَةُ مَنْ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَفِي الْبَرِّ وَالتَّخْرِيمِ تَحَجُّ وَفِي تَحَجُّ لَاتَحَجُّ...» ذکر می‌نماید، یعنی حج برای تأمین مصالح و منافع تمام مسلمین شرق و غرب، دریا و خشکی، حاضر در حج و غائب از حج است. و بدین ترتیب هر حاجی در حقیقت نه تنها به رسالت جامعه خویش بلکه به نمایندگی از سوی تمام مسلمانان جهان در آن کنگره عظیم جهانی شرکت می‌جوید، و طبعی است که وقتی چند میلیون نفر به نمایندگی از جانب بیش از یک میلیارد مسلمان عالم در آن کنگره باشکوه شرکت کنند، باید مسائل و مشکلات جهان اسلام را مطرح نموده و همه هم‌مسو و هماهنگ با هم موضعی واحد در برابر دشمنان خویش اتخاذ نمایند و حتی در بعضی از دعاها همین نمایندگی و رسالت نیز منعکس است و لذا حاجی نیازها و حاجات همه مسلمین را پیشگاه پروردگار کعبه عرضه می‌دارد و به دعا و عرض حاجت‌های خویش بسنده نمی‌کند.

و البته چنین وفود و ورودی بر خداوند باید با آمادگیهای قبلی صورت گیرد که احرام از آنجمله است و از اینجهت امام رضا علیه السلام درباره علت و فلسفه مُحْرِم شدن می‌فرماید: «إِنَّمَا يَأْمُرُوا بِالْأَحْرَامِ لِيَسْخَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ وَآمِنَهُ وَلِيَنَلَّ بِشَيْئِلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَلِذَاتِهَا وَيَكُونُوا حَاضِرِينَ فِيهَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ فَيَقْبَلِينَ عَلَيْهِ بِكَلِمَتِهِمْ...» و وفادتهم الیه راجعین ثوابه راهبین من عقابه ماضین نحوه»^۵ همانا از اینرو حجاج امر به احرام و مُحْرِم شدن گردیده‌اند تا پیش از ورودشان به حرم امن الهی، خشوع قلبی برایشان حاصل گردد، و به چیزی از امور دنیا و زینتها و لذت‌های سرگرم نگردند، و بجانب آنچه (کعبه) تصمیم رفتن بسویش را گرفته بطور جدی و با تمام وجود روی آورند، و وفودشان بسوی آن به



خواهند گذاشت و بتدریج شمار انسانهای الگو و خودساخته اجتماع بیشتر و بیشتر خواهد شد و هر شهر به مدینه فاضله انسانیت مبدل می گردد و از این راه بشر به اهداف والای آفرینش نزدیک می شود.

۶- نقل اخبار الأئمة عليهم السلام الی کل صقع وناحية^۱:

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر آیه شریفه «لبيقضيوا تقشطنهم» را به «لقاء الامام»^{۱۱} یعنی ملاقات و دیدار با امام، تفسیر می نماید.

بنابراین آنچه را امام رضا علیه السلام در این قسمت از کلام حج فرموده است که عبارت از انتقال و نشر اخبار ائمه عليهم السلام است، بواسطه ملاقات با امام در مکه، نیز صورت می گیرد و حتی امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «واتقوا الحج والعمرة لله» تعامیت حج و عمره را، دیدار با امام معرفی می نماید^{۱۱}، تا از این طریق فقه و فرهنگ اسلامی و خطوط سیاسی لازم را در جریان دیدار با امام، فرا گرفته و در بازگشت به مردم خویش منتقل سازند. و چنانچه از تعبیر «اتقوا الحج» و «تمام الحج لقاء الامام» بدست می آید، حج بدون ملاقات با امام و رهبر، حتی ناقص و ناتمام است، و تعامیت حج تنها به انجام اعمال عبادی و مناسک آن نیست. مسلمانان دوران ائمه عليهم السلام نیز با چنین برداشتی از تعامیت حج، سعی می کردند در صورت امکان در حج

به دیدار امام نائل آیند، و در این رابطه در عصر امام صادق علیه السلام تا حدودی شیعه، آزادی عمل بیشتر یافته بود، و حضرت در حج رسماً خود را بعنوان امام و رهبر مسلمین پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه قبل از خود معرفی می نمود و مردم بحضور امام می رسیدند و با ایشان ملاقات و گفتگو می نمودند، ولی از آنجا که این دیدارها، موقعیت امویان و سپس عباسیان را به خطر می افکند، در زمان امویان تمام تلاش در جلوگیری از آن به عمل می آمد و حتی از هشام بن عبدالملک مروان وقتی سؤال می نمایند این مرد (امام سجاد «ع») که مردم به او احترام می گذارند، کیست؟ از معرفی حضرت امتناع نموده و اظهار بی اطلاعی می نمایند، تا مردم امام سجاد علیه السلام را نشناسند.

بعد از امام صادق نیز در عصر عباسیان وضعیت بهین منوال بود و مردم آزادانه نمی توانستند بدیدار امام نائل آمده و از او دستورات مذهبی و خطوط سیاسی دینشان را فرا گیرند، و از این طریق به تعامیت حج لطمه وارد می آمد، و این است که امام جواد علیه السلام که ۲۹ ذیقعد در سالروز شهادتش بسوگ می نشینیم، در نامه ای به خلیفه اموی که در حقیقت بمنزله اعلامیه و اخطاری به جهان اسلام است می نویسد: «ذهب الحج وضيع وأتقوا الناس، فتن أعوج بمن أعوج هذا ومن أقوم بمن هذا»^{۱۲} حج واقعی از میان رفته و تضییع گردیده و مردم به فقر اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دچار شده اند، چه کسی حج اندیش تر و متحرک تر است از آنکه حج را از مسیر اصلیش منحرف سازد و چه کسی از

جهت ایمان و علم و سیاست نیرومندتر است از کسی که حج را چنانکه هست پیا دارد؟ چرا که این انحراف با تمام انحرافهای دیگر تفاوت دارد، زیرا با انحراف و جداساختن حج از جایگاه واقعی، نقشی که حج می تواند در ساختار جامعه اسلامی ایفا نماید، از آن سلب می گردد و تنها به یک پاره اعمال خشک و بی روحی تبدیل خواهد شد که هم اکنون شاهدیم که چگونه هر سال از سراسر جهان اسلام به حج می روند ولی این حج هیچ گونه تغییری در زندگی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی آنان بوجود نمی آورد. چرا که آل سعود به پیروی از همان سیاست کپنه اموی و عباسی، سعی در ناشناخته ماندن رهبر واقعی جهان اسلام دارند و در همین راستا از نظاهرات حجاج ایرانی که در خلال آن امام و رهبر واقعی مسلمین از خاستن شناخته می شود، و موقعیت آنها و آریابان استعمارگرشان تهدید می شود، پیش گیری می نمایند.

- ۱- وسائل- جلد ۸- ص ۱۶- ۱۵.
- ۲- تفسیر نورالقلین- جلد ۱- ص ۶۸۰.
- ۳- تفسیر نورالقلین- جلد ۳- ص ۱۸۸.
- ۴- مثل الشرائع- ص ۱۱۰.
- ۵- بحار- جلد ۱۶- ص ۴۷.
- ۶- فروع کافی- جلد ۱- ص ۲۱۸.
- ۷- معین اخبار الرضا- ص ۲۳۶.
- ۸- وسائل- جلد ۸- ص ۸.
- ۹- تفسیر نورالقلین جلد ۳- ص ۱۴۲.
- ۱۰- بحار- جلد ۹۹- ص ۳۷۴.
- ۱۱- فروع کافی- جلد ۱- ص ۳۲۷.

فریاد برائت شور و شکر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام خمینی:

... اعلان برائت در حج تجدید میثاق قطار راه مبارزه با هرگونه کمال منحل می نماید و برای ادامه نبرد با کفر و شرک و برپستی هاست و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید بشمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست پس ما امن و پناهگاه آنان در کجاست؟

اول ذیحجه الحرام ۱۴۰۷